

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. عدد ۲۰۰۰ داده‌ی دورافتاده است، پس خط فقر را به روش نصف میانه محاسبه می‌کنیم، داریم:

۱۳, ۲۳, ۲۶, ۲۹, ۳۱, ۴۱, ۲۰۰۰

$$\text{میانه} = \frac{۲۹ + ۳۱}{۲} = ۳۰$$

بنابراین خط فقر به روش نصف میانه برابر است با:

$$\frac{۳۰}{۲} = ۱۵$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گونه سؤالات به کمک جدول تناسب جواب را به دست می‌آوریم:

	پایه	مورد نظر
شاخص	۱۰۰	۱۲۰
قیمت	۵۰۰	x

$$\Rightarrow ۱۰۰x = ۱۲۰ \times ۵۰۰ \Rightarrow x = \frac{۱۲۰ \times ۵۰۰}{۱۰۰} = ۶۰۰$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. می‌دانیم خط فقر نصف میانه است و چون میانه ۲۰ می‌باشد، پس خط فقر برابر ۱۰ میلیون می‌باشد و حداقل حقوق باید برابر خط فقر شود، پس ۱۰ میلیون جواب است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی متوسط مبلغ پرداخت شده از سوی مصرف‌کنندگان است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\text{شاخص بهای گوشت و ماهی} = \frac{۱۰۰ \times ۶۰۰ + ۲۰ \times ۱۴۰}{۱۰۰ \times ۵۰۰ + ۲۰ \times ۱۲۰} \times ۱۰۰$$

$$\frac{۶۰۰۰۰ + ۲۸۰۰}{۵۰۰۰۰ + ۲۴۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{۶۲۸۰۰}{۵۲۴۰۰} \approx ۱۱۹/۸$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

سه گزینه‌ی ۱، ۲ و ۳ صحیح هستند و در شاخص بهای کالا خدمات به واحد اندازه‌گیری بستگی ندارد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. چون داده دورافتاده نداریم، استفاده از میانگین بهتر است و مقدار خط فقر برابر می‌شود با:

$$\text{میلیون تومان} = \frac{\text{میانگین}}{۲} = \frac{۶}{۲} = ۳$$

خط فقر به کمک میانگین

$$۱۸۰۰ = \text{افراد شاغل}$$

$$۲۰۰ = \text{افراد بیکار}$$

$$۲۰۰۰ = ۱۸۰۰ + ۲۰۰ = \text{افراد فعال}$$

وقتی عده‌ای شغل خود را از دست می‌دهند به تعداد بیکارها اضافه می‌شود. در نتیجه:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \frac{۲۰۰}{۲۰۰۰} \Rightarrow \frac{۲۰۰ + x}{۲۰۰۰} = \frac{۱۵}{۱۰۰} \Rightarrow \frac{۲۰۰ + x}{۲۰} = \frac{۱۵}{۱}$$

$$\Rightarrow ۲۰۰ + x = ۳۰۰ \Rightarrow x = ۱۰۰$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

$$\text{هزینه ها در سال موردنظر} \times ۱۰۰ = \frac{\text{هزینه ها در سال پایه}}{\text{شاخص بها}}$$

$$۱۶۰ = \frac{(۱۵ \times ۴۰۰) + (۲۰ \times x)}{(۱۵ \times ۱۵۰) + (۲۰ \times ۴۵۰)} \times ۱۰۰ \Rightarrow \frac{۱۶۰}{۱۰۰} = \frac{۶۰۰۰ + ۲۰x}{۱۱۲۵۰}$$

$$\Rightarrow ۱۰۰(۶۰۰۰ + ۲۰x) = ۱۶۰ \times ۱۱۲۵۰ \xrightarrow{\div ۱۰۰} ۶۰۰۰ + ۲۰x = ۱۸۰۰۰ \Rightarrow ۲۰x = ۱۲۰۰۰ \Rightarrow x = ۶۰۰$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی: متوسط مبلغ پرداخت شده از سوی مصرف‌کنندگان برای مجموعه‌ای از تعداد زیادی کالا و خدمت در طول یک سال است. این شاخص تحولات قیمت را بر مبنای یک سال پایه نشان می‌دهد.

$$\text{نصف میانه} = \frac{۱}{۲} \left(\frac{x + ۴/۸}{۲} \right) = \frac{x + ۴/۸}{۴}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\text{میانگین} = \frac{۲/۷ + ۳/۱ + x + ۴/۸ + ۵ + ۵/۴}{۶} = \frac{۲۱ + x}{۶}$$

$$\text{نصف میانگین} = \frac{۲۱ + x}{۱۲} = \frac{x + ۴/۸}{۴} \Rightarrow ۲۱ + x = ۳x + ۱۴/۴ \Rightarrow ۲x = ۶/۴ \Rightarrow x = ۳/۳$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شاخص بهای کالا و خدمات، به واحد اندازه‌گیری وابستگی ندارد، پس با ۲ برابر کردن واحد اندازه‌گیری، شاخص بهای کالا و خدمات تغییری نمی‌کند.

برای به دست آوردن میانگین کافی است، مجموع ستون سوم را تقسیم بر ستون دوم کنیم. پس:

داده	فراوانی	X
۳	۲	۶
۴	۳	۱۲
۷	۲	۱۴
۹	۱	۹

$$\bar{x} = \frac{۶ + ۱۲ + ۱۴ + ۹}{۸} = \frac{۴۱}{۸} = ۵/۱۲۵$$

برای به دست آوردن میانه، از آنجا که تعداد داده‌ها زوج (۸) است، میانگین دو داده‌ی وسطی را به دست می‌آوریم:

$$\frac{۴ + ۴}{۲} = ۴$$

$$۵/۱۲۵ - ۴ = ۱/۱۲۵$$

بنابراین اختلاف میانه و میانگین برابر است با:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

تذکر: درآمدها در عددی ضرب شوند خط فقر نیز در آن عدد ضرب می‌شود و همچنین b چهار برابر می‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\bar{x} = \frac{۱ + ۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۶ + ۱۱}{۷} = \frac{۲۸}{۷} = ۴$$

$$\Rightarrow \text{خط فقر} : \frac{\bar{x}}{۲} = \frac{۴}{۲} = ۲$$

$$۱, ۱, ۲, ۳, ۴, ۶, ۱۱ \Rightarrow \text{خط فقر} = \frac{۳}{۲} = ۱/۵$$

↓
میانه

$$\text{اختلاف خط فقر در دو روش} = ۲ - ۱/۵ = ۰/۵$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. افراد بالای ۱۶ سال را جمعیت فعال شهر می‌گویند که برابر ۷۰ هزار نفر است.

$$\text{درصد نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ \Rightarrow ۲۲ = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{۷۰۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\Rightarrow \text{جمعیت بیکار} = ۲۲ \times ۷۰۰ = ۱۵۴۰۰$$

$$\text{جمعیت شاغلین} = ۷۰۰۰۰ - ۱۵۴۰۰ = ۵۴۶۰۰$$

$$\frac{۲۰۰۰ \times ۳۰۰ + ۴۸۰۰ + ۱۲۰}{۱۵۰۰ \times ۳۰۰ + ۲۴۰۰ \times ۱۲۰} = \frac{۱۱۷۶}{۷۳۸} = ۱/۶$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

$$\text{شاخص پایه} = \left[(\text{میانگین تعداد کلمات} + \text{درصد کلمات دشوار}) \times ۰/۴ \right] = \left[(۶ + ۱۲) \times ۰/۴ \right] = \left[۷/۲ \right] = ۷$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شاخص قیمتی برابرنسبت قیمتی بنابر مصرف سال پایه است.

$$= \frac{60 \times 1200000 + 120 \times 8000}{60 \times 300000 + 120 \times 4000} = \frac{600 + 8}{150 + 4} = \frac{304}{154} \approx 4$$

$$\frac{P_1 - P_0}{P_0} \times 100 \approx 37/4$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گزینه «دو دست دعا» اضافی استعاری نیست. (توجه داشته باشید که در اضافی استعاری بین مضاف و مضاف‌الیه نمی‌توان واژه‌های از قبیل «برای، به نشانه‌ی، به جهت و ...» افزود. این نوع اضافه را «اقتراانی» می‌نامند. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دل شمع (شمع مانند انسان دارای دل)

۳) دست صبا (صبا مانند انسان دارای دست)

۴) اساس توبه (توبه مانند ساختمان دارای اساس)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. چون در این دوره، شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود، بنابراین به کارنگرفتن زبان شعری قدما را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران سبک هندی محسوب کرد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این گزینه، ویژگی نثر دوره عراقی است نه هندی.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این عبارت از ویژگی‌های فکری شعر سبک هندی است نه ویژگی زبانی.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

بیت گزینه‌ی «۴» درباره‌ی ناپایداری دنیاست و بقیه‌ی گزینه‌ها درباره‌ی غنیمت‌دانستن زمان و فرصت هستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

بیت «الف»: جناس همسان: «قدم» مصراع اول: پا، «قدم» مصراع دوم: قد من/ جناس همسان: «در» مصراع اول: اندر، «در» مصراع دوم: دربار/ فاقد واژه‌آرایی

بیت «ب»: فاقد استعاره (توجه داشته باشید که «چشم ارادت» اضافی اقتراانی است و «لاله» و «سنبل» نیز در معانی حقیقی خود به‌کار رفته‌اند و در اصل، شاعر «رو» و «مو» را به‌صورت مضمّر و تفضیلی به «لاله» و «سنبل» تشبیه کرده است)./ جناس ناهمسان: «روی» و «موی»
تشریح سایر ابیات:

بیت «ج»: کنایه: «بر دل غبار داشتن» کنایه از مک‌دربودن/ تشبیه: «سیلاب نیستی»: اضافی تشبیهی

بیت «د»: مجاز: «دل» مجاز از درون و داخل/ تقابل سجع‌های متوازی و متوازن، پدیدآورنده‌ی آرایه‌ی موازنه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

مفهوم مشترک بیت سوال و گزینه‌ی ۱: بی‌خبری موجودات از ابتدا و سرانجام عالم هستی
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) بی‌نهایت بودن ستایش پروردگار

۳) کوتاهی و ناچیزی عمر و زندگی

۴) توصیه به عاقبت اندیشی

در عبارت گزینه‌ی ۴ واژه «عقوبت» با «ات» جمع بسته شده که فارسی نیست و عربی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مدنظر این است که مشکلات و آسیب‌های روزگار به افراد بزرگ و راستگار می‌رسد نه انسان‌های پست و دنی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «عین‌الحیات» اثری است از علی بن حسین واعظ کاشفی با نثر مرسل در دوره‌ی هندی که در آن به موضوع عرفان پرداخته شده است.

کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی از «ویژگی‌های ادبی شعر سبک هندی» است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات مرتبط: سخن از عفو و کرم بی‌حد خداوند است که گناهان آدمی را مورد بخشایش خود قرار می‌دهد.

مفهوم بیت گزینه‌ی ۱: اعتراف شاعر به سنگینی گناه خود در قیامت

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود؛ از این‌رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در بیت این گزینه، چهار بار مجاز به علاقه شباهت به کار رفته است؛ ۱- بادام، مجاز از چشم

/ ۲- گلبرگ: مجاز از چهره یا گونه / ۳- آب: مجاز از اشک / ۴- فندق: مجاز از ناخن

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: سبز طارم: مجاز از آسمان

گزینه ۳: ماه: مجاز از یار زیبارو

گزینه ۴: در بیت این گزینه، دو بار مجاز به علاقه شباهت به کار رفته است؛ ۱) نرگس: مجاز از چشم ۲) مروارید: مجاز از اشک

چون دنیا به بازار مانند شده است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: واژه «فردا» مجاز از روز قیامت است.

گزینه ۴: واژه «دم» مجاز از لحظه است.

۴۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۴۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. موارد نادرست مربوط به ویژگی‌های زبانی نثر هندی هستند.

۴۲ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عباس‌نامه: مصنوع - عالم‌آرای عباسی: ساده

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) عین‌الحیات - مجالس‌المؤمنین: ساده

۲) احسن‌التواریخ - حبیب‌السیر: بینابین

۴) دیباجه‌ی شرفنامه - محبوب‌القلوب: مصنوع

۴۳ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۴۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۴۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۴۶ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱، ۲ و ۳: از ویژگی‌های فکری سبک هندی است. شاعران این دوره برای مضمون‌سازی، از هر پدیده‌ای در عالم طبیعت یا هر موضوعی در قلمرو ذهن استفاده می‌کنند. شاعران به معنی بیش‌تر توجه دارند تا به زبان. به عنوان نمونه هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد.

گزینه‌ی ۴: از ویژگی‌های فکری سبک عراقی است. در این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی و حمله و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیش‌تر می‌شود و این امر باعث رواج بیش‌تر تصوف می‌گردد و اندیشه‌هایی چون تقدیرگرایی، باور به قضا و قدر، رواج روحیه‌ی عرفانی و اخلاقی و بی‌اعتباری دنیا و ... موضوعات فکری شاعران عارف مسلک این دوره می‌شود.

۴۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی چهار «وحشی بافقی» به سبک هندی یا سبک قرن دهم و یازدهم تعلق دارد ولی مولوی و فخرالدین عراقی به سبک قرن‌های هفتم و هشت و نهم یا سبک عراقی تعلق دارند.

۴۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی ۱ از ویژگی‌های فکری سبک هندی است.

۴۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۵۰ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

دیباجه کتاب‌هایی مثل «عیار دانش» و «شرفنامه بدلیسی» در عصر سبک هندی، به نثر مصنوع نگاشته می‌شد.

«احسن‌التواریخ» حسن‌بیگ روملو از نمونه‌های معروف نثر بینابین در سبک هندی است.

«عالم‌آرای عباسی» اثر اسکندر بیگ ترکمان از متون ساده در موضوع تاریخ است.

۵۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دو جنگ جهانی، با درگیری کشورهای اروپایی آغاز شد. هیچ‌یک از این دو جنگ، منشأ دینی

نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت. طرف‌های درگیر در این دو جنگ، در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی،

لیبرالیستی و سوسیالیستی، رفتار خود را توجیه می‌کردند. براین اساس، این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشتند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اصطلاحات کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه‌یافته الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر کشورهای توسعه‌یافته را ادامه دهند. رد سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های ۲، ۱ و ۴ در ارتباط با اصطلاح مرکز و پیرامون درست هستند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: چالش فقر و غنا، چالشی همیشگی است، ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

گزینه ۲: «۲»: آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی، تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

گزینه ۳: «۳»: بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اولین بحران اقتصادی در فرهنگ سرمایه‌داری غرب در سال ۱۸۲۰ م در انگلستان و مهم‌ترین آن در فاصله بین دو جنگ جهانی رخ داد. چالش فقر و غنا، همیشگی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود و آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

۱) درست - نادرست (بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از جامعه بشری رخت برمی‌بندد).

۲) درست - نادرست

۳) درست - درست

۴) نادرست - درست

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

برخی از اندیشمندان معتقد بودند که چالش بین بلوک شرق و غرب چالش اصلی نیست. بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر (شمال و جنوب) است.

۱) دلیل این نام‌گذاری وجود کشورهای ثروتمند و صنعتی در نیمکره شمالی و کشورهای فقیر در نیمکره جنوبی است.

۲) اصطلاحات سیاسی مشابه دیگر: جهان اول و دوم و سوم، کشورهای توسعه‌یافته و عقب مانده، کشورهای مرکز و پیرامون

۴) بعد از جنگ جهانی دوم از این اصطلاح بیشتر استفاده شد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نخستین بحران اقتصادی در نظام سرمایه‌داری غرب در سال ۱۸۲۰ م در انگلستان به وجود آمد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بحران زیست‌محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد.

گزینه ۱: سرمایه‌داران با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند.

گزینه ۳: در بحران اقتصادی قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد.

گزینه ۴: بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر هانتینگتون بزرگ‌ترین رقابت بین فرهنگ و تمدن‌های بزرگ است که فرهنگ اسلامی، بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به اعتقاد کنت، بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فرهنگ‌مدرن، طبیعت را ماده‌ی خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازه‌ی هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حضرت علی می‌فرمایند: «چون به یقین رسیدید اقدام کنید.» در تصمیم‌گیری با اولویت‌های مختلف روبه‌رو هستیم که همه‌ی آنها می‌توانند ما را به مقصد برسانند اما در حل مسئله خودمان باید راه‌حل را بازآفرینی کنیم.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. امام علی (ع) شرط اقدام را رسیدن به یقین می‌داند (خطبه‌ی ۲۷۴ نهج‌البلاغه) همچنین در تصمیم‌گیری اولویت‌های زیادی داریم و هر اولویتی فرد تصمیم‌گیرنده را به مقصد می‌رساند، ولی ممکن است اولویت مطلوب نباشد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این ضرب‌المثل اشاره به هم‌رنگ شدن با جمع و تبعیت از دیگران دارد. بنابراین مربوط به سبک تصمیم‌گیری وابسته است. در این روش، دلیل انتخاب فرد این است که دیگران چنین تصمیم گرفته‌اند، در حالی که انتخاب دیگران ممکن است برای ما انتخاب مناسبی نباشد.

توضیح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اشاره به ویژگی سبک منطقی

گزینه ۲: اشاره به سبک احساسی

گزینه ۴: اشاره به سبک تکانشی (درس ۶ - ص ۱۴۳ تا ۱۴۷)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به هر نوع فعالیت مورد مشاهده جاندار «رفتار» می‌گویند. بسیاری از رفتارها به صورت مستقیم قابل مشاهده نیستند که از جمله آن‌ها، فرآیندهای ذهنی است. امروزه از فرآیندهای ذهنی با واژه «شناخت» تعبیر می‌شود.

مراحل تصمیم‌گیری ذکر شده در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ مراحل هستند که بیشتر مبتنی بر فرآیند ذهنی و تفکر هستند، اما «اجرای بهترین اولویت» مستلزم انجام یک رفتار قابل مشاهده است؛ زیرا تا زمانی که فرد رفتار قابل مشاهده‌ای ارائه نداده باشد، نمی‌گویند که فرد تصمیم گرفته است و آن را اجرا کرده است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در سبک اجتنابی، فرد قصد دارد تصمیم بگیرد، ولی هیچ‌گاه تصمیم وی عملی نمی‌شود. به عبارت دیگر فردی که دارای این سبک تصمیم‌گیری است دست، دست می‌کند و کار امروز را به فردا می‌اندازد؛ افرادی که دارای این سبک تصمیم‌گیری هستند؛ بر این باورند که همه‌چیز خود به خود درست می‌شود، در نتیجه، زمان را از دست می‌دهند و مشکل آن‌ها بیشتر می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در ضرب‌المثل صورت سؤال، شخص تنبل دست به هیچ کاری نمی‌زند و منتظر می‌ماند تا اوضاع خودبه‌خود بر وفق مرادش شود. این حالت بی‌عملی، در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی دیده می‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گاهی مراحل تصمیم‌گیری به درستی انجام نمی‌شود و تحت تأثیر روش‌های غلط (موانع تصمیم‌گیری) نتایج منفی به بار می‌آورد. برخی از این روش‌های غلط عبارت‌اند از: سوگیری تأیید، اعتماد افراطی، کوچک شمردن خود و عدم کنترل هیجانات.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در سبک تصمیم‌گیری وابسته دلیل انتخاب فرد این است که دیگران چنین تصمیمی گرفته‌اند، در حالی‌که انتخاب دیگران ممکن است برای ما انتخاب مناسبی نباشد.

افرادی که دارای سبک تصمیم‌گیری اجتنابی هستند بر این باورند که همه چیز خودبه‌خود درست می‌شود؛ در نتیجه زمان را از دست می‌دهند و مشکل آن‌ها بیش‌تر می‌شود.

بلافاصله همراه بودن با پشیمانی: سبک تکانشی
زودگذر بودن زیربنای تصمیم‌گیری: سبک احساسی

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. موانع تصمیم‌گیری:

سوگیری تأیید اعتماد افراطی کوچک شمردن خود کنترل نکردن هیجانات

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی در موقعیتی باشیم که حتماً باید تصمیم بگیریم ولی قادر به تصمیم‌گیری نباشیم، حالت عاطفی ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم که تعارض نام دارد. تعارض محصول ناتوانی در تصمیم‌گیری است و انواع مختلفی دارد: گرایش - گرایش / اجتناب - اجتناب / اجتناب - اجتناب

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، فرد «دست دست می‌کند» و «کار امروز را به فردا می‌اندازد».

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در تعارض اجتناب - اجتناب، هر دو گزینه، نامطلوب و ناخواستنی است و فرد مجبور به انتخاب یکی از آن‌هاست.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تعارض اجتناب - اجتناب، اجبار به انتخاب بین دو هدف منفی و ناخواستنی است. در این مثال، هم پرداخت ۲۰۰ هزار تومان جریمه و هم انتقال اتومبیل به پارکینگ برای راننده ناخواستنی است، پس او با تعارض اجتناب - اجتناب روبه‌رو است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در تعارض‌های گرایش اجتناب فرد در انتخاب یک هدف که از جهاتی خواستنی و از جهاتی ناخواستنی است، مردد می‌شود. بنابراین باید میزان خطر را در نظر بگیرد و در نتیجه در تصمیم‌گیری دچار تردید می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. افراد که دارای سبک تصمیم‌گیری اجتنابی هستند، بر این باورند که همه‌چیز خودبه‌خود درست می‌شود. در نتیجه، زمان را از دست می‌دهند و مشکل آن‌ها بیش‌تر می‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لم يَعْلَمُوا: ندانستند، ندانسته‌اند (حذف ۲ و ۴) / «است که» و «فقط» در گزینه‌های ۲ و ۴ بدون معادل عربی است / يَبْسُطُ: گسترش می‌دهد، می‌گستراند (حذف ۳) / لِمَنْ يَشَاءُ: برای کسی که (هر کس) بخواهد (حذف ۲)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «شاتِم»: (اسم فاعل است و به‌صورت صفت فاعلی ترجمه می‌شود) دشنامگو، ناسزاگو (رد گزینه‌ی «۲») / «لَمْ يُسْخَطْ»: (باید به‌صورت ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه شود) عصبانی نکرد، عصبانی نکرده است (رد گزینه‌های «۲» و «۳») / «مَثَل» نادرست است و اجزای جمله نیز در ترجمه جابجا شده‌اند («سکوت بیشتر» نادرست است).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
مَنْ: کسی که + فعل مضارع: فعل می‌تواند به‌شکل مضارع التزامی ترجمه شود. ردّ گزینه‌ها:
۱) بدتان - شما - برادرانتان - دوست نگیرید
۲) عصبانیتش
۳) دوست خود

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. أسلوب شرط در این عبارت «إِشْتَهَى» فعل شرط است و فعل شرط به‌شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود. و فعل «لِينْفَقَ» جواب شرط فعل امر غایب است / «مَقَا» [وسط جمله]: از چیزی که، از آنچه که. خطاها به‌ترتیب:
۲) اتفاق می‌کند
۳) اگر - دست یافتن - دوستش
۴) دوست داشته باشد - اتفاق می‌کند

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
۱) زنان مؤمن دیگران را مسخره نمی‌کنند (نباید مسخره کنند)
۲) مؤمن نباید صدایش را بالاتر ببرد در مقابل کسی که بزرگ‌تر از اوست. انتهای فعل کسره گرفته، پس نهی است.
۳) این دانش‌آموزان خارج نمی‌شوند (نباید خارج شوند) از کلاس بدون اجازه معلم. (چون از حرکت و ظاهر فعل نمی‌توان فهمید).
۴) امیدوارم که فاش نکنی برای دیگران آنچه را که به تو گفتم. (إِلَّا — أَنْ + لا: حتماً نفی است).

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
«لَا يَتَنَبَّرُ» فعل مضارع منفی است (لقب زشت نمی‌دهد).
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: ل + فعل مضارع — باید بداند.
گزینه «۳»: ل + فعل مضارع — باید کمک کنند.
گزینه «۴»: لا + فعل مضارع مجزوم — نباید بگیرند.

- ۱) هیچ کسی آدم دروغگو را باور نمی‌کند حتی راست بگوید. (طبق متن کاملاً درست است.)
 ۲) برای بار دوم، هنگامی که اهالی روستا صدای چوپان را شنیدند، به او توجه نکردند. (برای بار سوم بود که به چوپان توجه نکردند.)
 ۳) برای بار سوم، اهالی روستا اعتقاد داشتند که چوپان به آنها دروغ می‌گوید. (طبق متن کاملاً درست است، مردم برای بار سوم دیگر به چوپان توجه نکردند.)
 ۴) چوپان دروغ می‌گفت تا اوقاتش را بگذراند. (بله طبق متن چوپان خسته شده بود و می‌خواست اوقاتش را بگذراند، برای همین دروغ می‌گفت.)

ترجمه متن:

چوپانی وجود داشت که به نگهداری گوسفند در خارج روستا می‌پرداخت. در روزی از روزها از کارش خسته شد پس فکر کرد که چه کاری انجام بدهد تا وقت را بگذراند؟ اهالی روستا را صدا زد و به آنها با بلندترین صدا گفت: «گرگ، گرگ، کمک، کمک، نجاتم دهید». پس اهالی روستا به سوی رفتند ولی هیچ گرگی آنجا ندیدند و چوپان به آنها خندید. بعد از روزهای کمی، چوپان کارش را تکرار کرد. هنگامی که اهل روستا صدایش را برای دوم شنیدند، به سوی او شتافتند پس گرگی را نیافتند. و در روزی از روزها گرگ واقعی ظاهر شد و چوپان شروع کرد به کمک خواستن از اهالی روستا، اما مردم به او توجه نکردند و اعتقاد داشتند که او به آنها مثل گذشته دروغ می‌گوید. و گرگ بسیاری از گوسفندان چوپان را خورد.

- ۱) گوسفند و گرگ
 ۲) چوپان و اهالی روستا
 ۳) چوپان خسته
 ۴) چوپان دروغگو (مناسب‌ترین عنوان برای متن است.)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خطاهای این گزینه: فعل ماضی: «أَتَقَذُونِي» فعل امر از باب افعال است، چرا که عین الفعل آن کسره «ـِ» دارد نه فتحه «ـَ». / للغائبين: للمخاطبين است.

ترجمه صحیح عبارت: «برای این‌که این دروس سودمند را بفهمم بسیار تلاش می‌کنم!»

«لَمْ أَذْهَبْ» معادل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود = نرفتم، نرفته‌ام / «لَنْ أَذْهَبَ»: معادل مستقبل منفی است و با صرف «نخواهد» ترجمه می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: لِيُحَاوِلُوا - به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (باید تلاش کنند)

لَايْتَكَاثِلُوا = به‌صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می‌شود (نباید تنبلی کنند)

گزینه «۳»: يُسَجَّلُ = فعل شرط (مضارع التزامی ترجمه می‌شود: ثبت کند) / يَصِلُ جواب شرط (مضارع اخباری ترجمه می‌شود، می‌رسد).

گزینه‌ی «۴»: أُرِيدُ = مضارع اخباری ترجمه می‌شود (می‌خواهم) / أَنْ أَجْتَهِدَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (تلاش کنم) / لِأَحْضِلَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود (تا به‌دست آورم).

کلمه «ذوسعة» توانمند $\neq$ الفقير: ندار» با هم متضاد هستند و کلمه «الغنى» به معنای «توانگر» مترادف می‌باشد.

ترجمه: «و برای او (خداوند) کسی شریک نیست (همتایی برای او نیست)» که با مفهوم بیت صورت سؤال هماهنگ است. ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: اندوهگین مباش، زیرا خداوند با ماست.

گزینه‌ی «۳»: تو را فقط لطف و رحمتی برای جهانیان فرستادیم.

گزینه‌ی «۴»: انسان عاقل برای چیزی جز رضایت خداوند تلاش نمی‌کند.

۲) نمی‌خورند ۳) نباید بخورند ۴) نمی‌برند

«لَا تُجِبُّ» متعدی است نه لازم (مفعول می‌پذیرد). ضمناً «لا»ی آن لای نفی است نه نهی!

بررسی گزینه‌ها:

۱) «أَنْ يَسْمَعَ» که بشنود» معادل مضارع التزامی است.

۲) «دوستی بسیار فهمیده دارم که همیشه من را به بردباری دعوت می‌کند.»

۳) «تَهَرَّبَ: فرار کنی» فعل شرط و معادل مضارع التزامی است.

۴) «لَا أُجَالِسُ: نباید همنشینی کنم» فعل نهی متکلم وحده و معادل مضارع التزامی است. در عبارت چون به اسم «ال» دار رسیده به جای ساکن، کسره (ـِ) گرفته است.

«لِمَ»: معادل «لماذا» و کلمه پرسشی است / «لَا تَبْحَثَنَّ» مضارع منفی است که به‌صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود (جست‌وجو نمی‌کنید/ تحقیق نمی‌کنید) [چرا درباره علت به‌وجود آمدن بیماری‌ها در فصل زمستان تحقیق نمی‌کنید؟]

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «يَتَوَكَّلْ» فعل شرط مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (تَوَكَّلْ کند)

گزینه «۲»: «لَا يُسَافِرُوا» فعل نهی جمع مذكر غائب است که مضارع التزامی ترجمه می‌شود، نباید مسافرت کنند (مسافرت نکنند)

گزینه «۳»: «لَا طَالَعَ» مضارع منصوب با حرف ناصبه «لِ» مضارع التزامی ترجمه می‌شود، تا مطالعه کنم.

با توجه به قید زمان آینده «غداً: فردا» فعل «لَمْ نَذْهَبْ» (نرفتیم، نرفته‌ایم) چون معنایش بر ماضی منفی دلالت دارد، نادرست است و باید فعل «لَنْ نَذْهَبْ» (نخواهیم رفت) که مضارع منصوب است و بر مستقبل و آینده منفی دلالت دارد به کار برده می‌شد.

منظور از «طلب الشيء» همان فعل امر یا «لِ جازمه» است. دقت کنید که «ل» امر به معنای «باید» به فعل مضارع می‌چسبد و حتماً در جمله علاوه بر این فعل، فعل دیگری نیز وجود دارد.
«لتعلم»: باید بداند و اشاره به امر غائب می‌کند (مادرم باید احادیثی که به صرفه‌جویی اشاره دارد را بداند).
ردّ گزینه‌ها:

(۱) «لیهدی»: تا هدایت کند و «لِ ناصبه» است.

(۲) «له»: به او + اسم حرف جر است.
ضمیر

(۳) «لتخفف»: برای اینکه تخفیف بگیری «لِ ناصبه» است.

آخرین نظامیه تا حمله‌ی هلاکوخان به بغداد در سال ۶۵۶ به بغداد که به نابودی انجامید فعال بود.

گسترش قلمرو، برقراری نظم و امنیت، ایجاد راه‌های جدید و توسعه‌ی حمل‌ونقل و وجود نظام دیوانی کارآمد از جمله عواملی بودند که به رشد تجارت در این دوره کمک کردند. با رونق تجارت، شهر و شهرنشینی نیز رشد یافت. صرافان که وظیفه‌ی انجام معاملات پولی و تسهیل مبادله‌ی کالاها را بر عهده داشتند، نقش مهمی در توسعه‌ی تجارت خارجی ایفا کردند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خواجه نظام‌الملک توسی با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلااستفاده، نظام اقطاع را توسعه داد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. رواج انواع و اقسام مالیات‌ها در جامعه از پیامدهای به هم ریختن نظام مالیاتی در اوایل دوران مغول‌ها بود نه از دلایل آن.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در عصر سلجوقی، دیوان وزارت که وزیر در رأس آن قرار داشت، به شکوهمندی بی‌نظیری رسید. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود.

(۳) اقدامات خواجه نظام‌الملک منجر به تقابل دو نیروی مخالف شد که در تاریخ ایران به نام تقابل اهل قلم (دیوان‌سالاران) و اهل شمشیر (نظامیان) معروف شد.

(۴) این گزینه مربوط به نظام دیوانی غزنویان است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. رقابت و ستیز شاهزادگان حاکم بر مناطق مختلف پس از مرگ شاهرخ رخ داد. به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر موجب به پایان رسیدن حکومت نوادگان تیمور در ایران شد، نه محدود شدن به مناطق شرقی، بنیان گذاشتن حکومت گورکانیان هند (مغولان کبیر) نیز مدتی پس از آن واقع شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هولاکو، نخست قدرت اسماعیلیان را با گشودن قلعه‌های مستحکم آنان از بین برد و سپس با تسخیر بغداد و کشتن خلیفه عباسی، به حکومت خاندان بنی‌عباس پایان داد. (درس ۱۱ ص ۱۱۵)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دوره مسلمانی مغول‌ها در ایران از زمان غازان شروع شد. مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول (۷۳۶ ق)، آغازگر چهار دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسبی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بود که تا زمان قدرت‌گیری تیمور ادامه یافت.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در اوایل دوران مغول‌ها، به دلایل مختلفی همچون گرایش اشرافیت نظامی مغول به بی‌نظمی و زیاده‌طلبی، بی‌توجهی حاکمان مغولی به قوانین اسلامی و بیگانگی آنان با سنت‌های ایرانی، نظام مالیاتی به هم ریخت و انواع و اقسام مالیات‌ها که شمار آن‌ها به ده‌ها مورد می‌رسد، رواج یافت.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. هلاکوخان با تسخیر و کشتن خلیفه‌ی عباسی، به حکومت خاندان بنی‌عباس پایان داد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آخرین نظامیه تا حمله‌ی هلاکوخان در سال ۶۵۶ ق به بغداد که به نابودی آن انجامید، فعال بود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

تشریح موارد نادرست:

الف) در کشاورزی معیشتی تولید محصول یا پرورش دام «بیشتر» در حد مصرف خانوار کشاورز یا فروش محلی صورت می‌گیرد و میزان تولید و سود اقتصادی، کم است.

ج) فیلیپین و پاکستان از جمله کشورهایی هستند که در نتیجه انقلاب سبز در زمینه تولید برنج به خودکفایی رسیدند. اوکراین یکی از کشورهای تولیدکننده‌ی عمده‌ی گندم در جهان است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صنایع دانش‌بنیان از جمله صنایع نوین یا های‌تک هستند که مربوط به فعالیت‌های

اقتصادی نوع دوم‌اند؛ زیرا در بخش صنعت قرار دارند، اما به دلیل اینکه با فناوری اطلاعات ارتباط بسیار نزدیکی دارند، با فعالیت‌های نوع چهارم ارتباط نزدیکی دارند و در عین حال، در دسته‌بندی فعالیت‌های اقتصادی، در بخش فعالیت‌های نوع چهارم قرار نگرفته‌اند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فعالیت‌های نوع دوم شامل فعالیت‌هایی است که طی آن‌ها منابع و مواد اولیه در کارخانه‌ها تغییرشکل می‌یابند و به کالا تبدیل می‌شوند؛ مانند تولید انواع کالاهایی که در زندگی روزانه از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

همان‌طور که از این نوع فعالیت‌ها می‌توان برداشت کرد تا زمانی که مواد اولیه در دسترس نباشد نمی‌تواند این نوع فعالیت‌ها انجام شود. بنابراین فعالیت‌های نوع اول پیش از فعالیت‌های نوع دوم انجام می‌شود و شرایط آن‌را فراهم می‌کند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شکل الف توزیع شیر و شکل ب برداشت محصول کشاورزی (تولید) و شکل ج فروش کالا

(مبادله) را به عنوان عناصر تعریف اقتصاد نشان می‌دهد. چرا که در تعریف اقتصاد گفته می‌شود، اقتصاد، نظامی از تولید، توزیع، مبادله و مصرف کالاها و خدمات توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در یک ناحیه است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کشور استرالیا نقش مرکز را دارد. این کشورها مانند یک قطب آهنربا عمل نموده و بخش عمده‌ای از سود و ثروت جهان را دریافت و جذب می‌کنند. آن‌ها حتی به صدور سرمایه، یعنی سرمایه‌گذاری در دیگر نواحی جهان نیز می‌پردازند. از ویژگی‌های کشورهای مرکز، برخورداری از صنایع نو و خدمات پیشرفته، فناوری بالا و نیروی ماهر و متخصص، زیرساخت‌های مناسب برای توسعه اقتصادی (مانند حمل و نقل پیشرفته) و سطح بالای زندگی و رفاه اجتماعی است. کشورهای مرکز، مواد خام را با قیمت ارزان‌تر از کشورهای پیرامون به دست آورده و کالاهای ساخته‌شده صنعتی را با سود بیشتر به آن‌ها می‌فروشند. کشورهای مرکز گاهی با روش‌های مختلف افراد با استعداد و متخصص (یا به اصطلاح مغزهای متفکر) را نیز از کشورهای پیرامون به خود جذب می‌کنند. در حالی که کشورهای پیرامون هزینه‌های تحصیل و رشد این افراد را پرداخته‌اند.

کشور سنگاپور نقش نیمه پیرامون را دارد. منظور از کشورهای نیمه پیرامون کشورهایی هستند که بین مرکز و پیرامون قرار گرفته‌اند. این کشورها از نظر اقتصادی از کشورهای پیرامون قوی‌ترند، اما هنوز از نظر قدرت اقتصادی از کشورهای مرکز نرسیده‌اند. این کشورها بین کشورهای مرکز و پیرامون نقش واسطه بازی می‌کنند و ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها دچار تغییرات و تحولات صنعتی و فناورانه شده است.

کشور مراکش نقش پیرامون را دارد. کشورهای پیرامون عمدتاً تولیدکننده و صادرکننده مواد اولیه و خام هستند. این کشورها از نظر توسعه صنعتی و فناوری‌های نوین در سطح پایین‌تری قرار دارند. این کشورها که به واردات کالاهای صنعتی از مرکز وابسته‌اند، بازار خوبی نیز برای تولیدات آنها هستند و بنابراین، سود هنگفتی نصیب کشورهای مرکز می‌کنند. از دیگر ویژگی‌های کشورهای پیرامون، کمبود نیروی کار ماهر و متخصص و زیرساخت‌ها و تجهیزات لازم برای توسعه صنعتی است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های نادرست:

الف) در کشاورزی معیشتی تولید محصول یا پرورش دام (بیشتر) در حد مصرف خانوار کشاورز یا فروش محلی صورت می‌گیرد در نتیجه میزان تولید و سود اقتصادی کم است.
ج) ایالات متحده آمریک حدود ۴۰ درصد (ذرت) جهان را تولید می‌کند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دامداری‌های تجاری ممکن است در کنار مزارع بزرگ غله تجاری ایجاد شوند و از بقایای محصولات کشاورزی برای تغذیه دام استفاده کنند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا، ژلاندنو، آرژانتین و برزیل از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند.
تاجران ثروتمند، مزارع پلانتیشن را به ویژه در جنوب ایالات متحده آمریکا احداث کردند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در کشاورزی معیشتی تولید محصول یا پرورش دام بیشتر در حد مصرف خانوار کشاورز یا فروش محلی صورت می‌گیرد و میزان تولید و سود اقتصادی، کم است.
فعالیت‌های مربوط به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) در بخش نوع چهارم طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نواحی صنعتی ایالات متحده آمریکا بیشتر در شمال شرق و از کوه‌های آپالاش تا دریاچه‌های پنچ‌گانه گسترده شده‌اند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عصر اکتشافات جغرافیایی در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ و انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ بوده است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. امروزه صاحبان اغلب مزارع تک‌محصولی تخصصی یا پلانتیشن‌ها شرکت‌های بزرگ، به ویژه شرکت‌های چندملیتی هستند؛ زیرا این‌گونه مزارع به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز دارند. شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی هستند که معمولاً بخش مرکزی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد و شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ آن‌ها در سایر نواحی و کشورهای دارای آب و هوای مناسب ایجاد شده‌اند. این شرکت‌ها در خارج از مرزهای کشور مبدأ فعالیت می‌کنند. شرکت‌های چندملیتی که عمدتاً آمریکایی و اروپایی هستند، با احداث این مزارع در کشورهای نواحی استوایی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از نیروی کارگر ارزان قیمت آن‌ها در مزارع خود بهره می‌برند. برخی از این شرکت‌ها سالیانه میلیاردها دلار از تولید و صدور این محصولات، سود به دست می‌آورند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. امروزه صاحبان اغلب مزارع تک‌محصولی تخصصی شرکت‌های بزرگ به‌ویژه شرکت‌های چند ملیتی هستند. شرکت‌های چند ملیتی شرکت‌هایی هستند که معمولاً بخش مرکزی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد و شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ آن‌ها در سایر نواحی ایجاد شده‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: محل استقرار دفتر مرکزی این شرکت‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد. گزینه ۲: بیشتر مزارع تک محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاها واقع شده‌اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان استفاده کرد. گزینه ۴: این مزارع در کشورهای نواحی استوایی احداث شده‌اند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در عکس مستوی صدق و کذب تغییر نمی‌کند، پس عکس مستوی لازم‌الصدق در صورت صادق بودن همیشه صادق است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نکته: در صورتی که در جابه‌جا کردن اجزای قضیه، قاعده عکس مستوی را به درستی رعایت نکنیم، دچار مغالطه ایهام انعکاس می‌شویم. عکس مستوی «همه‌ی ب الف است» می‌شود «بعضی الف ب است». در حالی‌که در اینجا موقع تبدیل قضیه‌ی اصلی به عکس مستوی همه (هر) به بعضی تبدیل نشده است و سور هر به همان شکل باقی مانده است. پس دچار مغالطه ایهام انعکاس شده‌ایم.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کیفیت قضیه یعنی همان رابطه یا نسبت آن، در عکس مستوی تغییری نمی‌کند. (نادرستی گزینه ۱) پس از عکس کردن قضیه، اگر از آن تداخل هم بگیریم، باز هم کیفیت قضیه عوض نمی‌شود. (نادرستی گزینه ۲) وقتی متضاد قضیه‌ای را به دست می‌آوریم، کیفیت آن را تغییر می‌دهیم اما بعد از نقیض گرفتن از قضیه‌ی به دست آمده، مجدداً همان کیفیت اولیه را خواهیم داشت. (نادرستی گزینه‌ی «۳») در تضاد، کیفیت قضیه تغییر می‌کند و اگر از قضیه‌ی به دست آمده، تداخل بگیریم، کیفیت قضیه نسبت به قضیه‌ی اولیه متفاوت خواهد ماند. (تأیید گزینه ۴)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. زیرا اصل قضیه «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و اگر این قضیه نادرست باشد نقیض آن یعنی «بعضی الف ب است» درست است و آنگاه عکس مستوی آن یعنی «بعضی الف ب است» نیز درست خواهد بود. اگر قضیه «هیچ الف ب نیست» نادرست باشد، تضاد آن که گزینه ۲ است درستی و نادرستی‌اش نامشخص است و وقتی «هیچ الف ب نیست» نادرست باشد «بعضی الف ب نیست» نیز نامشخص است، زیرا با یکدیگر رابطه‌ی متداخل دارند و در صورت نادرستی قضیه‌ی کلی درستی و نادرستی قضیه‌ی جزئی نامشخص است.

راه‌حل ساده‌تر آن است که بگوییم وقتی «بعضی الف ب است» درست است عکس مستوی آن یعنی گزینه ۱ حتماً درست است «بعضی الف ب است» با گزینه ۲ رابطه‌ی تداخل دارد و وقتی قضیه‌ی جزئی درست باشد درستی یا نادرستی قضیه کلی نامشخص است. وقتی «بعضی الف ب است» درست باشد نقیض آن یعنی «هیچ الف ب نیست» حتماً نادرست است و عکس مستوی آن نیز نادرست است. بعضی الف ب است با گزینه ۴ رابطه‌ی تداخل تحت تضاد دارد و در صورتی درستی یکی از قضایا درستی و نادرستی دیگری مشخص نیست.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در عکس مستوی، باید عین مفهوم موضوع و محمول جابه‌جا شوند نه صرفاً معنای آن‌ها
مثال؛

بعضی جوان پیر است. X
 هر پیری جوان بوده است
 بعضی کسانی که جوان بوده‌اند، پیر هستند. ✓

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: کیفیت در عکس مستوی تغییر نمی‌کند و ثابت است.

گزینه ۳: در عکس‌ها هیچ‌گاه موجب‌کلیه نداریم.

گزینه ۴: اگر عکس مستوی قضیه‌ای، گاهی درست باشد، (و گاهی نادرست) نشان می‌دهد که قضیه، عکس قضیه لازم‌الصدق ندارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کیفیت قضیه (سالبه و موجب بودن) در عکس مستوی، تغییری نمی‌کند. (رد گزینه ۱) - وقتی متداخل عکس یک قضیه را هم بسازیم، کیفیت تغییری نمی‌کند. (رد گزینه ۲) - با ساختن متضاد یک قضیه، کیفیت قضیه تغییر می‌کند، اما وقتی نقیض آن متضاد را بسازیم، دوباره کیفیت قضیه به دست آمده با قضیه اصلی یکسان خواهد بود (رد گزینه ۳). ولی اگر متداخل آن قضیه متضاد را بسازیم، کیفیت قضیه به دست آمده با قضیه اصلی قطعاً تفاوت دارد؛ چون در قسمت تضاد، کیفیت تغییر می‌کند ولی در تداخل، کاری به کیفیت نداریم. مثال: «هر الف ب است» (موجب) متضادش می‌شود «هیچ الف ب نیست» و متداخل این متضاد می‌شود «بعضی الف ب نیست» (سالبه)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در صورت صادق بودن متضاد یک قضیه، (برای مشخص نمودن صدق و کذب آن قضیه) باید بدانیم که همواره کاذب است. چرا که امکان ندارد که هم‌زمان دو قضیه متضاد، صادق باشند.
تشریح سایر گزینه‌ها:

(۱) در صورت کلی بودن یک قضیه کاذب، صدق و کذب متداخل آن را نمی‌توان مشخص کرد.

(۲) صدق و کذب متضاد قضیه‌ی کاذب را نمی‌توان مشخص کرد. چرا که ممکن است هر دو قضیه (هم قضیه ی اصلی و هم متضاد آن) کاذب باشند.

(۳) اگر عکس مستوی یک قضیه کاذب باشد، صدق و کذب آن قضیه را نمی‌توان تعیین کرد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این دو قضیه با هم رابطه‌ی تداخل تحت تضاد دارند. در تداخل تحت تضاد امکان دارد که هر دو قضیه صادق باشند اما ممکن نیست که هر دو کاذب باشند. لذا اگر این دو قضیه را به صورت یک قضیه‌ی شرطی متصل بازنویسی کنیم، قضیه‌ی ما مانعة الرفع خواهد بود (اجتماع طرفین مجاز و ارتفاع طرفین محال است).

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

رابطه‌ی «تناقض» میان قضیه‌های «موجب‌هی کلی و سالب‌هی جزئی» و «سالب‌هی کلی و موجب‌هی جزئی» برقرار است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. جمع میان A و D در صدق امکان‌پذیر است زیرا این دو متداخل هستند و ممکن است هر دو صادق و یا هر دو کاذب باشند. تشخیص صدق یا کذب B در صورت صدق C امکان‌پذیر نیست زیرا این دو متداخل هستند و در تداخل از صدق جزئی نمی‌توان صدق یا کذب کلی را نتیجه گرفت. جمع میان A و B در صدق غیرممکن است زیرا این دو متضاد هستند و ضدین محال است در صدق جمع شوند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عقل‌گرایان معتقدند که برخی مفاهیم که انسان می‌شناسد، ذاتی عقل هستند و به همین دلیل بی‌نیاز از تجربه، فهم آن‌ها ممکن است. علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: نظر کانت است.

گزینه‌ی «۲»: خدا جزء ساختارهای ذهن نیست و علیت از نظر کانت جزء ساختارهای ذهن است.

گزینه‌ی «۴»: عقل‌گرایان حس را نیز معتبر دانستند و برای شناخت نیازمند آن هستیم.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دلیل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: حس در ریاضیات کاربردی ندارد.

گزینه‌ی «۲»: استفاده‌ی مختلف از اشیا ویژگی عقل است.

گزینه‌ی «۴»: خطا در ادراکات حسی امکان‌پذیر است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. این گونه شناخت را بدان جهت شهودی می‌گویند که قلب انسان، حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند. عارف و سالک الی‌الله، ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند یعنی علاوه بر عالم طبیعی، سایر عوالم را مشاهده کند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به اعتقاد فلاسفه‌ی مسلمان معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد، یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شناخت عقلی به معنای شناختی است که هم دارای مقدمات عقلی و هم دارای نتایج عقلی است. در واقع در این نوع شناخت، تجربه هیچ دخالتی ندارد. گزینه‌های (۲) و (۳) بیانگر شناخت تجربی هستند و گزینه‌ی (۴) در مورد عقل است، نه به طور مشخص درباره‌ی شناخت عقلی.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. قرآن کریم نمونه‌ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است، ما با تأمل و تدبر در قرآن و به میزان توانایی و همت خود می‌توانیم از بسیاری حقایق آگاه شویم.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عقل می‌تواند هم امور محسوس (طبیعی) را درک کند و هم امور نامحسوس را.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شناخت حسی خاص انسان نیست و حیوانات دیگر هم شناخت حسی را دارا هستند، حتی ممکن هست قوی‌تر هم باشند (مانند عقاب در حواس بینایی).

گزینه ۲: مبانی علوم طبیعی (تجربی) با شناخت عقلی محض به دست آمده است (فارغ از تجربه).

گزینه ۳: شرط رسیدن به شناخت شهودی، تقویت ایمان و تعالی نفس و ... است، نه برعکس.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

به عبارت دیگر، عقل قادر است تا بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تامل و چینش استدلال‌ها به حقایق برسد و حتی دانش جدیدی را پایه‌گذاری کند. مانند بسیاری از دانستنی‌های ریاضی و فلسفه که با استفاده از حواس، درک آنها ممکن نیست و صرفاً با استدلال و تعقل محض می‌توان پاسخ مسائل مربوط به آن را دریافت. (مثلاً ذات و صفات خداوند را تنها با تعقل می‌توان درک کرد)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. علم عقول به حقایق اشیاء، از طریق استدلال مفهومی نیست بلکه عقول، حقایق اشیاء را شهود می‌کنند. عقل انسان نیز اگر به مرحله‌ای برسد که از عقل فعال کسب فیض کند می‌تواند مانند فرشتگان بسیاری از حقایق را شهود کند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. می‌دانیم که معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود

ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید. رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فلاسفه‌ی اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می‌دانند. (نه در همه‌ی مواضع)

گزینه ۲: عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند.

گزینه ۳: توجه شود که هر چند همه‌ی این روش‌ها معتبر هستند، اما این بدین معنی نیست که با انتخاب هر کدامشان به تنهایی بتوانیم به معرفت فلسفی دست یابیم. بلکه در تداوم و تکمیل هم هستند. (نکته‌ی مهم: اعتبارشان مستقل است نه کارکردشان)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$B \text{ تورم کالای } = \frac{\text{ابتدای سال} - \text{انتهای سال}}{\text{ابتدای سال}} \Rightarrow \frac{1,387,500 - 1,110,000}{1,110,000} \times 100 = 25\%$$

$$A \text{ تورم کالای } = 25 \times 2 = 50 \text{ درصد}$$

$$A \text{ تورم کالای } = \frac{50}{100} = \frac{288,000 - x}{x} \Rightarrow 0.5 = \frac{288,000 - x}{x}$$

$$\Rightarrow 0.5x = 288,000 - x \Rightarrow 1.5x = 288,000 \Rightarrow x = \frac{288,000}{1.5} = 192,000 \text{ ریال}$$

$$C \text{ تورم کالای } = \frac{50 + 25}{3} = \frac{75}{3} = 25 \text{ درصد}$$

$$C \text{ تورم کالای } = \frac{25}{100} = \frac{x - 871,500}{871,500}$$

$$\Rightarrow 0.25 \times 871,500 = x - 871,500 \Rightarrow 217,875 = x - 871,500 \Rightarrow x = 1,089,375 \text{ ریال}$$

$$\text{واحد پولی } ۵۱۰۰ = \frac{۳}{۵} \times ۸۵۰۰ = \text{مسکوکات}$$

$$\text{چک پول} + \text{سپرده‌های دیداری} + \text{مسکوکات} + \text{اسکناس} = \text{حجم پول}$$

$$۲۱۳۵۰ = ۸۵۰۰ + ۵۱۰۰ + ۳۴۰۰ + x$$

$$\Rightarrow \text{واحد پولی } ۴۳۵۰ = \text{چک پول}$$

(ب)

$$\text{سپرده پس‌انداز بلندمدت} + \text{سپرده پس‌انداز کوتاه‌مدت} + \text{سپرده دیداری} = \text{مجموع سپرده‌های دیداری و پس‌انداز}$$

$$۱۰۲۰۰ = ۳۴۰۰ + ۲۸۰۰ + x$$

$$\Rightarrow \text{واحد پولی } ۴۰۰۰ = \text{سپرده پس‌انداز بلندمدت}$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وسیله‌ی سنجش ارزش: با پول می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آنها را با هم سنجید. ۱۴۸

وسيله‌ی پرداخت‌های آینده: در صورتی‌که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله‌ی مناسب پرداخت آینده نیز باشد. این وظیفه در روزگار ما کاملاً محسوس است، زیرا بیشتر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت گیرد. وسیله‌ی پرداخت در مبادلات: نقش اصلی پول در مبادلات، آسان‌سازی مبادله است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۴۹

$$\text{ارزش مسکوکات} = \frac{۲}{۳} \times (\text{موجودی اسکناس})$$

$$\text{واحد پولی } ۱۲۰۰ = \frac{۲}{۳} \times ۱۸۰۰ = \text{ارزش مسکوکات مردم}$$

حساب‌های جاری اشخاص همان سپرده‌های دیداری است.

$$\text{چک پول} + \text{سپرده‌های دیداری} + \text{اسکناس و مسکوکات} = \text{حجم پول}$$

$$\text{واحد پولی } ۳۴۰۰ = ۱۲۰۰ + ۱۸۰۰ + ۲۸۰ + ۱۲۰ = \text{حجم پول}$$

$$\text{واحد پولی } ۱۰۰۰ = \text{حساب‌های پس‌انداز بلندمدت} + \text{حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت} = \text{شبه پول}$$

$$\text{واحد پولی } ۶۶۰ = ۱۰۰۰ - ۳۴۰ = \text{حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت} - \text{شبه پول} = \text{حساب‌های پس‌انداز بلندمدت}$$

$$\text{شبه پول} + \text{حجم پول} = \text{نقدینگی}$$

$$\text{واحد پولی } ۴۴۰۰ = ۳۴۰۰ + ۱۰۰۰ = \text{نقدینگی}$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «ثبات اقتصادی»، «استحکام اقتصادی»، «تاب‌آوری» ۱۵۰

اقتصادی» و «پایداری»، مسئله مقاومت‌سازی اقتصادی را تأکید می‌کنند.

- اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره‌ی قبل افزایش یابد، می‌گوییم در آن جامعه رشد صورت گرفته است.

سپرده‌ی دیداری: نوعی سپرده که سپرده‌گذاران می‌توانند هنگام نیاز به پول چک صادر کنند.
(الف)

چک‌پول + سپرده‌های دیداری + مسکوکات + اسکناس = حجم پول
واحد پولی $۱,۳۱۰ = ۱۵۰ + ۲۴۰ + ۳۲۰ + ۶۰۰ =$ حجم پول

(ب)

واحد پولی $۵۲۰ =$ حساب‌های پس‌انداز بلندمدت + حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت = شبه پول
(ج) نقدینگی برابر است با حجم پول به علاوه‌ی شبه‌پول، بنابراین در نقدینگی علاوه بر حجم پول، شبه‌پول که مجموع موجودی حساب‌های پس‌انداز بلندمدت و کوتاه‌مدت است نیز لحاظ می‌شود.
(د) افزایش نقدینگی معمولاً ناشی از عملکرد بانک‌ها است.

(الف)

نفر $۱,۸۰۰,۰۰۰ = (۲۰۰,۰۰۰ + ۲۵۰,۰۰۰) - ۲,۲۵۰,۰۰۰ =$ تعداد شاغلان

(ب)

نفر $۴۵۰,۰۰۰ = ۲۵۰,۰۰۰ + ۲۰۰,۰۰۰ =$ تعداد بیکاران

درصد $۲۰ = \frac{۴۵۰,۰۰۰}{۲,۲۵۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ \Rightarrow \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ =$ نرخ بیکاری

(ج) بیکاری در دوران رکود اقتصادی ← بیکاری دوره‌ای

در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های پولی انبساطی اعمال می‌شود. در این حالت بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت، نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

- در دوره پایانی حکومت صفویه، اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد، حاکمان وقت از موقعیت جهان و ظایف خطیر تاریخی خود تصور درستی نداشتند و به همین دلیل نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند.
- در دوره‌ی قاجار ایران فرصت طلایی خود را برای جبران کاستی‌ها، از دست داد.

(الف) صحیح است.

(ب) نادرست است. عبارت «ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.» به ویژگی نوآور بودن کارآفرینان موفق اشاره دارد.

(ج) نادرست است. در بازار عوامل تولید:

خانوارها صاحب و فروشنده عوامل تولید هستند.

بنگاه‌ها و دولت خریدار عوامل تولید هستند.

در بازار محصولات:

خانوارها و دولت خریدار کالاها و خدمات هستند.

بنگاه‌ها فروشنده انواع کالاها و خدمات هستند.

(د) صحیح است.

(ه) نادرست است. علت تصمیم‌گیری اشتباه او، چسبیدن به وضعیت فعلی است.

(و) صحیح است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

(الف) با استفاده از فرمول زیر به ترتیب نرخ تورم سال‌های اول، دوم و سوم را حساب می‌کنیم ولی با توجه به اینکه شاخص قیمت‌های ابتدای سال پنجم را (به عنوان شاخص قیمت‌های جدید) نداریم، محاسبه‌ی نرخ تورم سال چهارم امکان‌پذیر نیست.

$$\text{cpi} = \frac{\text{شاخص قیمت های جدید}}{\text{شاخص قیمت های قدیم}}$$

$$\text{cpi سال اول} = \frac{7,256 - 6,200}{6,200} = \frac{1056}{6,200} = 17\%$$

$$\text{cpi سال دوم} = \frac{7,777/34 - 7,256}{7,256} = \frac{1,521/34}{7,256} = \frac{21}{100} = 21\%$$

$$\text{cpi سال سوم} = \frac{9,918/39 - 8,777/34}{8,777/34} \approx \frac{13}{100} \approx 13\%$$

(ب) دقت کنید کاهش نرخ تورم به معنای کاهش سطح عمومی قیمت‌ها نیست، (گزینه‌ی ۲) تا زمانی که تورم وجود دارد حتی به اندازه‌ی ۱ درصد، همچنان قیمت‌ها افزایش می‌یابند. امکان محاسبه‌ی نرخ تورم در سال چهارم وجود ندارد (گزینه‌های ۳ و ۴)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

- از دست دادن بخش‌های مهمی از سرزمین و منابع ایران، هزینه‌های شکست دو جنگ، عهدنامه‌های ننگین و جریمه‌های گزاف آن‌ها، بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سیاست‌های رکودی و انقباضی بدون برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری اقتصادی، اعطای امتیازها به شرکت‌ها و کشورهای استعماری، تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی و سیل ورود کالاها خارجی، آسیب‌های توان فرسایی در دوران قاجار بر اقتصاد ایران وارد کرد.

- در دوره‌ی قاجار ایران فرصت طلایی خود را برای جبران کاستی‌ها از دست داد.

- در دوره‌ی پایانی حکومت فویه اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد و این وضعیت با تغییر و تحول سریع در اروپا و شکل‌گیری قدرتهای بزرگ در آن قاره مصادف بود.

- ویژگی عمده‌ی دوره‌ی پهلوی، جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نقطه‌ی M به دلیل رکود و قرار گرفتن در شرایط ناکارایی زیرمنحنی مرز امکانات تولید (PPF) قرار گرفته است. در چنین شرایطی اقتصاد منابع غیرفعال و بیکار دارد و هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالایی به تولید کالای دیگری نیست.

بررسی موارد نادرست:

(۱) باید گفته می‌شد وقتی که اقتصاد منابع غیرفعال دارد هیچ نیازی به انتقال منابع نیست.

(۲) نقطه زیر منحنی است پس انتقال منابع بی‌معنی است.

(۳) رشد اقتصادی یا افزایش منابع باعث انتقال منحنی به سمت راست خود و بیرون می‌شود و می‌توانیم به نقاطی دست پیدا کنیم که سابقاً کشور آرزوی رسیدن به این نقاط را داشته است.

- گاهی در شرایطی که زیر منحنی مرز امکانات تولید قرار داریم کشور با مشکل رکود و بیکاری مواجه است و در این شرایط، بیکاری دوره‌ای رخ می‌دهد، زیرا تولید کاهش می‌یابد و شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را تعدیل می‌کنند.

- در شرایط رکود دولت از طریق بانک مرکزی، نقدینگی در گردش را افزایش می‌دهد یا سیاست پولی انبساطی اعمال می‌کند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ابتدا نرخ تورم کشور C را محاسبه می‌کنیم:

$$P(C) = \frac{\text{شاخص قیمت‌های جدید} - \text{شاخص قیمت‌های قدیم}}{\text{شاخص قیمت‌های قدیم}} = \frac{3978/5 - 3650}{3650} = \frac{328/5}{3650} = \frac{9}{100} = 9\%$$

$$\rightarrow \begin{cases} \text{نرخ تورم کشور } A = 2 \times 9\% = 18\% \\ \text{نرخ تورم کشور } B = 18\% \times \frac{1}{3} = 6\% \end{cases}$$

$$\text{نرخ تورم کشور } A: \frac{18}{100} = \frac{50,50/4 - x}{x} \Rightarrow 18x = 50,50 \times 4 - 100x$$

شاخص قیمت‌های ابتدای سال ۲۰۱۴ در کشور A :

$$\rightarrow 118x = 50,50 \times 4 \rightarrow x = \frac{50,50 \times 4}{118} = 4,28$$

$$\text{نرخ تورم کشور } B: \frac{6}{100} = \frac{x - 2,85}{2,85} \Rightarrow 6 \times 2,85 = 100x - 285,000$$

شاخص قیمت‌های انتهای سال ۲۰۱۴ در کشور B :

$$\Rightarrow 17,100 + 285,000 = 100x \rightarrow 302,100 = 100x \rightarrow x = 3,021$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ابتدا نرخ تورم (Cpi) را برای کشوری که اطلاعات آن کامل است محاسبه می‌کنیم:

$$B \text{ کشور (Cpi)} = \frac{\text{شاخص قیمت های قدیم} - \text{شاخص قیمت های جدید}}{\text{شاخص قیمت های قدیم}} = \frac{30,780 - 28,500}{28,500} = \frac{8}{100} = 8\%$$

با توجه به نرخ Cpi در کشور B، نرخ Cpi در کشور A برابر ۱۶ درصد و نرخ Cpi در کشور C نیز ۴ درصد خواهد شد، بنابراین:

$$A \text{ کشور (Cpi)} = \frac{16}{100} = \frac{37,816 - x}{x} \Rightarrow 16x = 3,781,600 - 100x \Rightarrow \text{الف)}$$

شاخص‌های قیمت‌های ابتدای ۲۰۱۵ در کشور A

$$116x = 3,781,600 \Rightarrow x = 32,600 \text{ دلار}$$

$$C \text{ کشور (Cpi)} = \frac{4}{100} = \frac{x - 18,900}{18,900} \Rightarrow 4 \times 18,900 = 100x - 1,890,000 \Rightarrow \text{ب)}$$

شاخص‌های قیمت‌های ابتدای ۲۰۱۶ در کشور C

$$\Rightarrow 75,600 + 1,890,000 = 100X \Rightarrow X = 19,656$$

پ) توجه کنید کمتر شدن شاخص قیمت مصرف‌کننده یعنی همان نرخ تورم نسبت به سال قبل (یا دوره‌ی قبل) به معنی این نیست که قیمت‌ها کاهش می‌یابند، تا زمانی که در یک جامعه نرخ تورم مثبت باشد همچنان قیمت‌ها افزایش می‌یابند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۶۰

الف) برای مقایسه‌ی بهتر شرایط موجود و شتاب قیمت‌ها در ماه‌های تیر و مرداد، بهتر است شاخص قیمت مصرف‌کننده برای تیرماه نیز محاسبه شود:

$$\text{cpi} = \frac{\text{هزینه ی سبد بازار در ابتدای تیر} - \text{هزینه ی سبد بازار در پایان تیرماه (ابتدای مرداد)}}{\text{هزینه ی سبد بازار در ابتدای تیر}} \times 100$$

$$\text{cpi} = \frac{22,400 - 14,000}{14,000} \times 100 \rightarrow \text{هزینه ی سبد بازار در تیر} = 60\%$$

با مقایسه‌ی نرخ تورم در ماه‌های تیر و مرداد متوجه می‌شویم که نرخ تورم در ماه مرداد کاهش داشته است و این کاهش به معنای کاهش سطح عمومی قیمت‌ها نیست بلکه فقط سرعت افزایش قیمت‌ها کاهش یافته است. (صفحه‌ی ۱۰۱)

ب) نرخ رشد درآمد مورد نظر باید معادل نرخ تورم باشد تا قدرت خرید کارگر تغییر نکند، بنابراین خواهیم داشت:

$$\text{تومان } 1,800,000 = 30\% \times 6,000,000 = \text{نرخ تورم} \times \text{درآمد: میزان افزایش درآمد کارگر}$$

$$\text{تومان } 7,800,000 = 6,000,000 + 1,800,000 = \text{دریافتی جدید کارگر}$$

